

## بسوی ۸ مارس

### جنبش آزادی زن پیشتاز آزادیخواهی و برابری طلبی!

آذر ماجدی

به نقل از نشریه کمونیست ماهانه، بخش اول ...

## روز جهانی زن، یک آینده بهتر ممکن است!

آذر ماجدی، سیاوش دانشور، شهلا نوری، مریم افراسیاب پور، ملکه عزتی، کریم نوری

نقد سوسیالیستی به ستمکشی زن! "اسلاموفوبی" چیست؟ آیا تقابل با اسلام راسیسم است؟ موقعیت جنبش ضد آپارتاید جنسی در ایران! ناسیونالیسم کرد و مسئله زن؟ علیه اعدام در روز زن! علیه قانون ضد کودک ازدواج با دختر خوانده!

کنفرانس

روز زن

در تورنتوی کانادا

کنفرانس بین المللی

سازمان آزادی زن

بتعویق افتاد!

آذر ماجدی در میزگرد

درباره انقلاب بهمن 57

"خمینی یک محصول وارداتی!"

اطلاعیه سازمان آزادی زن

"اعدام، قتل عمد دولتی"

سخنرانی آذر ماجدی  
در کنفرانس حق حیات و کیفر مرگ در کلن

مبارزه با فحشاء

از برنامه یک دنیای بهتر

نوشته منصور حکمت

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

زنان جوامع اسلام زده از زن سنتی خشن و فرودستی برده وار زن در این جوامع دارد. این رسالت را باید درک کرد و مبارزه برای آزادی زن، برابری زن و مرد و عقب نشانیدن اسلام سیاسی را با قطعیت و جدیت به پیش برد.

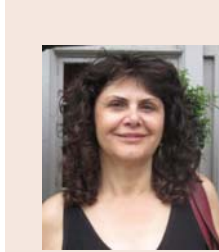
۸ مارس یک سنت پایدار در جامعه ایران است. تلاش های رژیم اسلامی برای مقابله با ۸ مارس و جانشینی آن با یک روز اسلامی با شکست مواجه شده است. تلاش های اخیر جنبش ملی - اسلامی برای آفریدن یک روز ملی زنان نیز راه به جایی نبرده است. جنبش آزادی زن در ایران در کنار و در همبستگی با جنبش بین المللی حقوق زن در جهان ۸ مارس را گرامی میدارد. ۸ مارس اکنون به یک روز مهم و شناخته شده برای مردم ایران بدل شده است. رژیم اسلامی از مدتی قبل به استقبال آن میروید. در سال های گذشته در بسیاری از شهرها نیروهای سرکوب تمام قوای خود را برای ممانعت از برگزاری این روز بکار گرفته اند.

علیرغم سرکوب دائم جنبش حقوق زن و فعالین این جنبش، مقاومت زنان بشکلی گسترده ادامه دارد، تا حدی که رژیم اسلامی بناچار اعلام کرده است که هیچکس حق دخالت در زندگی خصوصی مردم را ندارد. این یک عقب نشینی بزرگ است. رژیم اسلامی دریافته است که از پس زنان و جنبش آزادی زن بر نیاید. بناچار هر از چند وقتی یک تعرض خشن علیه زنان سازمان می دهد، پس از مدتی عقب می نشیند و دوباره زور خود را امتحان میکند. این عقب نشینی اخیر رژیم بعلاوه مبارزات گسترده دانشجویی و اعتراضات معلمان موقعیت مناسبی را برای تجمعات ۸ مارس فراهم آورده است. از این شرایط باید بهره جوئیم و تجمعات خود را برا ۸ مارس سازمان دهیم.

باید بکوشیم ۸ مارس را به روز اعتراض به سرکوب و خفقان و برای آزادی و برابری بدل کنیم. جنبش حقوق زن باید در پیشاپیش جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی مردم ایران قرار گیرد. این جنبش قابلیت های بسیاری برای تحقق این امر داراست.

جنبش آزادی زن تنها در یک جامعه آزاد و برابر به خواست های خود دست میابد، جامعه ای آزاد از سرکوب، اختناق و تبعیض اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. در ۸ مارس صفوف خود را هر چه محکمتر، عزم خود را راسخ تر و تلاش خود را صد چندان کنیم.

\*\*\*



## جنبش آزادی زن پیشتاز آزادیخواهی و برابری طلبی!

آذر ماجدی

در جامعه بشری است. قرار دادن نیمی از جامعه در مقابل نیمه دیگر، زنان و مردان در مقابل یکدیگر، آسان ترین و قابل توجه ترین ابزار سرمایه داری برای تشدید استثمار و ممانعت از اتحاد طبقاتی طبقه کارگر است. ایدئولوژی های متفاوتی برای توجیه این فرودستی، ازلی و ابدی جلوه دادن آن، طبیعی قلمداد کردن آن، پذیرش آن توسط نه تنها مردان، که ظاهرا از تداوم آن بهره مند میشوند، بلکه همچنین زنان، که قربانیان آن هستند، شکل گرفته است. مذهب قدیمی ترین و پایدارترین آنها است. اگر هنوز در قرن بیست و یک، دو قرن پس از شکل گیری جنبشهای آزادی زن، زنان در قید اسارت مردسالاری قرار دارند، دلیل و عامل را باید در سرمایه و نیاز نظام سرمایه داری جستجو کرد.

همانگونه که ستمکشی زن نهادی کهن و جان سخت است، مبارزه علیه آن نیز سنتی پایدار و قوی است. این جنبش موفق شده است که در پاره ای از جهان دستاورد های با ارزشی در عرصه حقوق زن کسب کند. مبارزه برای حقوق برابر و آزادی زن اکنون به یک وجه پایدار جامعه معاصر بدل شده است.

در بخشی از جهان که زیر سلطه اسلام بسر میبرد، وضعیت زنان بسیار وخیم و بعضا برده وار است. اسلام سیاسی بعنوان یک جنبش ارتجاعی و زن ستیز هویت و یک رکن مهم ایدئولوژی خود را فرودستی زن قرار داده و حجاب را به بیرق این جنبش بدل کرده است. آپارتاید جنسی بعنوان یک رکن اساسی این جوامع بر زن و مرد تحمیل میشود. جنبش آزادی زن علیه اسلام سیاسی اکنون در ایران به یک جنبش قوی و گسترده بدل شده است. این جنبش میتواند نقشی بسیار موثر در مبارزه علیه اسلام سیاسی، برای سکولاریزه کردن جامعه و مذهب زدایی ایفاء کند. تاثیر جنبش آزادی زن در ایران به چهار چوب مرزهای ایران محدود نمیشود. جنبش آزادی زن در ایران نقش مهمی در رهایی

امر برابری زن و مرد امروز یکی از حاد ترین مسائل جامعه بین المللی است. نابرابری زن و مرد یکی از قدیمی ترین و جان سخت ترین تبعیضات مبتلابه جامعه بشری است. جنبش دفاع از حقوق زن بیش از دو قرن است که برای رفع تبعیض از زنان مبارزه میکند. لیکن این جنبش صرفا موفق شده است در بخش کوچکی از جهان تبعیضات فاحش علیه زنان را از میان ببرد. هنوز در هیچ گوشه جهان زنان نتوانسته اند به برابری کامل و رهایی دست یابند. اما اگر گوشه کوچکی از جهان به دستاوردهای قابل ملاحظه ای دست یافته است، در بخش اعظم جهان میلیونها زن در اسارت و بیحقوقی کامل بسر میبرند. ابتدایی ترین حقوق نیز از این زنان سلب شده است. زن سنتی و ستمکشی زن یک وجه شرمناک جامعه معاصر است.

چرا علیرغم نزدیک به دو قرن مبارزه علیه فرودستی زنان، علیه تبعیض جنسی و برای برابری زن و مرد، زنان هنوز در قید تبعیض و نابرابری و در اسارت مردسالاری قرار دارند؟ این سؤالی است که در ذهن هر انسان آزادیخواه و برابری طلبی نقش می بندد. چه منفعت پایداری فرودستی زنان را لازم و ضروری میسازد. ممکن است استدلال شود که ستمکشی زن به قدمت جامعه بشری است و لذا ذاتی بشر. اما آیا این پاسخی قانع کننده به جان سختی این ستمکشی است؟ بسیاری نهادهای کهن تبعیض، نابرابری و اسارت در طول تاریخ در نتیجه توسعه جوامع و مبارزات جنبش های اجتماعی زائل گشته اند. در طول دو قرن اخیر، با عروج نظام سرمایه داری، بسیاری از نهادهای کهن دست و پاگیر یا غیر ضروری سریعاً در مقابل تعرضات اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی رنگ باخته اند. ستمکشی زن اما در زمره استثناها است. دو قرن مبارزه وسیع، مبارزاتی که بعضا بسیار گسترده و رادیکال بوده است، موفق به امحای این نهاد ارتجاعی تبعیض نشده است. چرا؟

برای پاسخ به این سوال باید به عامل اصلی یعنی میانی مادی ستمکشی زن دست برد. پاسخ در نیاز نظام سرمایه داری به این نهاد تبعیض و بردگی است. فرودستی زن مهمترین عامل تفرقه

**اسلام ضد زن است!**

به نقل از نشریه کمونیست ماهانه، بخش اول ...

## روز جهانی زن، یک آینده بهتر ممکن است!

آذر ماجدی، سیاوش دانشور، شهلا نوری، مریم افراسیاب پور، ملکه عزتی، کریم نوری

به مقولات دموکراسی، راسیسم و نئوکولونیالیسم، توانست گفت‌مان نوینی را در زمینه برابری حقوق و آزادی فردی و مدنی، بویژه در جوامع غربی جاری کند؛ در نتیجه بشکل وارونه ای مقوله نسبیّت فرهنگی بعنوان یک پدیده "مترقی" و "برابری طلبانه" طرح شد و سریعاً رایج گردید. باین ترتیب که مفهومی سوژکتیو بنام فرهنگ بر هر مفهوم دیگری از جمله انسانیت، آزادی و برابری همگانی اولویت یافت. بسیاری از جریانات فمینیست و حتی چپ در مقابل این مقوله تسلیم شدند و سر تعظیم فرود آوردند. یک تلاش متمرکز و گسترده از جانب کمونیسم کارگری، جریانات لیبرال - سکولار که هنوز به مفاهیم پیشاپست مدرنیسم معتقد بودند با نسبیّت فرهنگی به مبارزه پرداختند. بنظر من نقش ما در جنبش کمونیسم کارگری در این عرصه غیرقابل انکار است. یک دهه مبارزه سیاسی، تئوریک و عملی علیه نسبیّت فرهنگی و تثبیت جهانشمولی حقوق و آزادیهای مدنی و فردی، بویژه در عرصه جنسیت، لازم شد تا موفق شویم مقوله نسبیّت فرهنگی را حاشیه ای کنیم.

طی دو سه دهه اخیر مقوله سکولاریسم نیز زیر ضربات بسیار از جانب جنبش اسلامی و همچنین نهاد کلیسا قرار گرفت. با قدرت رسیدن رژیم اسلامی در ایران و پس از آن سقوط شوروی و بلوک شرق که بقدرت گیری وسیع کلیسا، چه کاتولیک و چه ارتودوکس در این بلوک انجامید، نقش مذهب وسیعاً در اجتماع و در زندگی اجتماعی و سیاسی و حتی فردی افزایش یافت. بسیاری از حقوق مدنی و حقوق زنان در این منطقه و در منطقه اسلام زده مورد تهدید جدی قرار گرفت و یا کاملاً محو شد. این شرایط موجب یک جنبش نوین



کرد، و کاملاً تحت سلطه گرایشات مختلف فمینیستی قرار گرفت. کوشیده شد ریشه ستمکشی زن با مقوله پاتری آرکی توضیح داده و تبیین شود. پاتری آرکی بعنوان سیستمی موازی با سرمایه داری و "خودمختار".

در شرایط حاضر جنبش آزادی زن در کشورهای غربی بسیار ضعیف است. تقسیم کاری در این جنبش روی داده است: فعالیت تئوریک به آکادمیا سپرده شده است و فعالیت عملی روزمره در چهارچوب نظام موجود کار اکتیویست ها است. مبارزه علیه خشونت نسبت به زنان و در دفاع از آزادی سقط جنین که توسط جریانات راست و مذهبی مورد تعرض قرار گرفته است در اولویت این جنبش قرار دارد. لذا نقد سوسیالیستی در جنبش عملی یا سازمانهای زنان بچشم نمی خورد.

در مورد بخش دوم سوال، باید گفت که مقوله حقوق جهانشمول با مبحث نسبیّت فرهنگی مطرح شد. تا پیش از آن جهانشمولی حقوق برابر مورد سوال قرار نگرفته بود و لذا طرح آن موضوعیت نداشت. پس از روی کار آمدن رژیم اسلامی در ایران و سرکوب خشن زنان و شکل گرفتن یک جنبش اسلامی "مدرن" که با زیرکی با ارجاع

کمونیست ماهانه: نقد سوسیالیستی به ستمکشی زن چه جایگاهی در سیاست و عمل جنبش زنان در کشورهای غربی دارد؟ بحث سکولاریسم، برابری طلبی و حقوق جهانشمول چه وزنی در جدلهای اجتماعی دارد؟

آذر ماجدی: در اوج اعتلاء و گسترش جنبش آزادی زن در غرب، یعنی در دهه 60-80 میلادی، بحث های بسیاری در زمینه نقد مارکسیستی به ستمکشی زن جاری بود. در میان جنبش آزادی زن دو گرایش مارکسیست - فمینیست و سوسیال فمینیست وجود داشتند که می کوشیدند موقعیت فرودست زن را از دیدگاه مارکسیستی یا سوسیالیستی مورد نقد قرار دهند. تلاشهایی بمنظور ایجاد رابطه ای میان پروسه تولید و استثمار نیروی کار و موقعیت زن انجام گرفت؛ جنجال برانگیزترین آن بحث کار خانگی زن بود که گرایشی درون جنبش مارکسیست فمینیست آنرا مبنای ستمکشی زن و عاملی در تشدید استثمار نیروی کار و افزایش ارزش اضافه می دید.

در این دوره جنبش چپ بطور کلی قوی بود؛ جنبش آزادی زن یکی از جنبش های وسیع و قدرتمند اجتماعی این دوره بود. باصطلاح انقلاب مه 68 در فرانسه، جنبش های "آزادبخش" در کشورهای تحت سلطه و مستعمره، بخشی از جنبش حقوق مدنی در آمریکا خود را با مارکسیسم تداعی می کردند. اما نقد مارکسیسم در رابطه با جنبش آزادی زن از همان دهه 70 آغاز و در دهه 80 گسترش یافت. یکی از معروفترین آثاری که مارکسیسم را در رابطه با برابری زن و مرد مورد نقد قرار می دهد، نوشته ای است از هایدی هارتمن تحت عنوان "Unhappy Marriage of Marxism and Feminism" در دهه 80 دیگر آنچه به جنبش آزادی زن معروف شده بود، فروکش

## روز جهانی زن،

## یک آینده بهتر ممکن است ...



سکولار گردید. شاید بتوان اعلام کرد که پس از انقلاب کبیر فرانسه که کلیسا را مورد تعرض جدی قرار داد و اصل جدایی کلیسا از دولت را مطرح کرد، مبارزه برای جدایی مذهب از دولت این چنین مطرح نبوده است. دو اصل سکولاریسم و جهانشمولی حقوق در مقابل مذهب و نسبییت فرهنگی قرار گرفتند. تا آنجا که به موقعیت زنان مربوط می شود، بویژه در شرایط کنونی مبارزه سکولاریستی و مقابله جدی با نسبییت فرهنگی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

**کمونیست ماهانه:** در اروپای غربی بسیاری از چپها و فمینیستها هر نوع تقابل با اسلام را بعنوان "اسلاموفوبی" و "راسیسم" رد میکنند. "اسلاموفوبی" چیست؟ آیا تقابل با اسلام راسیسم است؟

**سیاوش دانشور:** ترمینولوژی "اسلاموفوبی" از محصولات ایدئولوژی آپارتاید پست مدرنیسم و نسبییت فرهنگی است که بویژه بدنبال واقعه س ۱۱ پتامیر و شعار "جنگ علیه ترور" بوش، از جانب مدافعان جنبش اسلامی وارد ادبیات سیاسی شد. ترم "اسلاموفوبی" با تعریف عمومی "اسلام هراسی و مسلمان هراسی" در ادبیات چپ اروپای غربی و در جامعه شناسی دانشگاهی دست راستی بعنوان "راسیسم جدید" تعریف شد و در ردیف عناوینی مانند "هموفوبیا" و "آنتی سمیتیسم" قرار گرفت. اگرچه استدلال ها در میان گروهها و طرفداران این ایده متفاوت است اما وجه اشتراک آنها اینست که "داشتن پیشداوری و دشمنی با اسلام و مسلمانان"، "اسلاموفوبی" نام میگردد و بعنوان شکلی از "راسیسم" معرفی میشود.

باید به مواضع سیاسی این نیروها در کشمکش های اجتماعی و سوالات واقعی اشاره کرد تا جایگاه این نوع استدلال روشنتر شود. اما واقعیت اینست که "اسلاموفوبی" عنوانی است که تلاش دارد

زیر بغل جنبش ارتجاعی و آدمکش اسلام سیاسی را بگیرد و این عنوان چه از جانب دمکراتها و چپ ها و فمینیست ها، چه از جانب دولتهائی که ملاحظات سیاسی و امنیتی خود را در کنترل اسلام سیاسی دارند و تلاش دارند آنرا "معتدل" کنند، و چه از جانب جریانات اسلامی اساسا به یک معنا استفاده میشود.

به نظر من "اسلاموفوبی" که در ردیف مقولات راسیستی طبقه بندی شده و در میان عده ای جا افتاده است، خود یک ترم راسیستی است. عنوانی است که تلاش دارد به آپارتاید رسمی و قانونی و تقسیم شهروندان جوامع اروپائی به "اکثریت" و "اقلیت"، به "خارجی" و "اروپائی"، و گروهبندیهای دیگر رسمیت بدهد. "اسلاموفوبی" عنوانی راسیستی است چون نقطه شروع انسانهای برابر و شهروندان دارای حق و مسئولیت برابر نیست. ترم "اسلاموفوبی" راسیستی است چون فرضش بر اینست که انسانها و شهروندان جامعه بدوا هویت اسلامی و یا مسیحی و یهودی و ملی و قومی دارند. این دیدگاه دمکراسی و "تلرانس" را ایجاد وضعیتی میداند که در آن همه این گروهبندیها توسط قانون سهم شان برسمیت شناخته شده باشد. "اسلاموفوبی" ترمی راسیستی است چون هویت انسانها را بصورت دلخواهی مذهبی تعریف میکند و جوامع

مسلمان نشین را "جوامع اسلامی" مینامد. جامعه ای که به دلایل سیاسی قابل توضیح که مثلا اسلام در قوانین آن "دین رسمی" محسوب میشود، همه شهروندان آن یکجا و در آمارها "مسلمان" محاسبه می شوند. امری که مثل داغ لعنتی همراه شماسست و حتی وقتی در اروپا زندگی میکنید، کماکان در آمار "مسلمانان" محاسبه میشوید. "اسلاموفوبی" راسیستی است چون راسیسم نهفته در اسلام و نگرش خشن مذهبی اسلام نسبت به دیگر شهروندان را تلطیف و قانونیت میبخشد. "اسلاموفوبی" در قلمرو سیاست عنوانی باجگیرانه است چون هر نقدی به اسلام را معادل "پیشداوری نسبت به مسلمانان"، "دشمنی با مسلمانان" و "تبعیض به مسلمانان" تلقی میکند. "اسلاموفوبی" عنوانی است که با تبلیغ "از اسلام نترسید" تلاش دارد زیر بغل اسلام سیاسی را بگیرد و بعنوان ضربه گیر اسلام سیاسی در جدال سیاسی عمل میکند.

بی دلیل نیست وقتی به سوالاتی مانند مسئله حجاب در مدارس و مراکز آموزشی، ساختن مساجد و مراکز مذهبی، قوانین شریعه در دل اروپای دمکرات و مدرن، حقوق زن و کودک در خانواده های اسلامی و غیره نگاه میکنید، می بینید که عمده کسانی که تلاش دارند ترم "اسلاموفوبی" را بعنوان "راسیسم جدید" به ما بخوراندند، از نظر سیاسی در پاسخ به این سوالات کنار جنبش اسلام سیاسی ایستاده اند. موضع این روشنفکران دانشگاهی، چپ و فمینیست با موضع آخوندی که در مسجد محل خرافات تبلیغ میکند یکی است. طرف در گتوی اسلامی که راه انداخته و خودش را "نماینده مسلمانان" آن کشور معرفی میکند، همان استدلالی را دارد که چپهای پست مدرنیست و روشنفکران بورژوا در آکادمی و رسانه ها تحویل ما میدهند. اسلامیون هر نقدی به اسلام را "توهین" به "مقدسات" می نامند و خواهان گسترش خطوط قرمز و "ممنوعه" برای گسترش کسب و کارشان هستند. روشنفکران متحد آنها هم میگویند نقد به اسلام با "توهین" به اسلام فرق دارد! هر دو میگویند اگر زنان و کودکان با حجاب در محل کار و مراکز آموزشی ظاهر

## روز جهانی زن،

## یک آینده بهتر ممکن است ...

در اروپای غربی و خاورمیانه جانبداریم و خود یک طرف این جدال هستیم. ما در کشمکش برسر سوالاتی مانند حجاب، مدارس مذهبی، راسیسم سیاسی و اداری، حقوق کودک، حقوق زن، آزادی بیان، قوانین محدود کننده آزادی بیان، سیاست دولتها در باره امنیت، و غیره جانبداریم و

با ترم پوچ و من درآوردی "اسلاموفوبی" جا نمی زنیم. ما جنبشی هستیم که پروژه اسلام زدائی در ایران را دنبال میکنیم و به تغییرات بزرگ در خاورمیانه چشم دوخته ایم. جست و خیز معدودی روشنفکر نان به نرخ روز خور که همواره در هر کشمکشی خود را کنار ارتجاع می یابند، و یا سو استفاده احزاب و گروههای دست راستی که نتیجه ای از سیاستهای همین دولتها هستند، باعث نخواهد شد که ما در مسیر سیاسی مان تردید کنیم و نقد به اسلام و مبارزه با جنبش اسلام سیاسی را کمرنگ کنیم. ما اجازه نمیدهیم طرفداران ترمینولوژی راسیستی "اسلاموفوبی" زیر پرچم "مقابله با راسیسم" به ارتجاع اسلامی و ضد زن نیرو بدهند. برابری حقوقی شهروندان اعم از "مسلمان" و غیره یک اصل خدشه ناپذیر ماست. اما این موجب نمیشود نقد ضد اسلامی و ضد جنبش اسلام سیاسی بعنوان "حقوق ویژه" اسلاميون بایگانی شود.

بگذارید برای مزاح هم که شده در صورت ظاهر مسئله شریک شویم. بگذارید ببرسیم که واقعا اگر کسی از القاعده ای ها، الشبাব ها، طالبان ها، آدمکشان جمهوری اسلامی، و تروریست های متفرقه اسلام سیاسی بعد از این همه توحش و جنایت "ترس و هراس" داشته باشد، آیا ترس ناموجهی است؟ میشود گفت از راسیست های دو آتشه هیتلری که فقط به قتل و خون می اندیشند "نترسید"؟ میشود به زنی که چاقوی مردسالاری را خوب میشناسد گفت از خشونت ضد زن "نترس"؟ مگر "ترس" همین دولتهای فحیمه از تروریسم اسلامی نیست که هزینه برپائی مسجد و منبر برای آخوندها و جنبش اسلامی را می پردازند؟ مگر همین "ترس" و استاندارد دوگانه آنها موجب نشده که زنان و کودکانی که در گنوها و جوامع تحت سلطه آنها چشم به جهان می گشایند،

صفحه ۶

اسلامی است و همزمان از حقوق برابر شهروندان منتسب به مسلمان دفاع کند. برعکس، با ترم "اسلاموفوبی" میخواهند اسلام بعنوان یک ایدئولوژی و اسلام سیاسی بعنوان یک جنبش را از زیر فشار نجات دهند تا امامان و سرعشیره های اسلامی بتوانند بعنوان نماینده و سخنگوی "مردم منتسب به مسلمان" سلطنت کنند. آنها در واقع اسلامیس را زیر عنوان مقابله با راسیسم باد میزنند. آنها در کنار مرتجع ترین نیروی های سیاسی واپسگرا تحت عنوان مقابله با راسیسم "جهاد" میکنند.

برای ما بعنوان کمونیست و آزادیخواه، که داور دموکراسی نیستیم، برای ما که هدف مان را بهبود شرایط زندگی کلیه انسانها قرار داده ایم، برای ما که از آپارتاید طبقاتی و آپارتاید فکری و فرهنگی منزجریم، برای ما که بویژه درگیر جنگی تمام نشده با اسلام سیاسی هستیم، ترم "اسلاموفوبی" بعنوان شکلی از "راسیسم" حرف پوچی است که میخواهد راسیسم را بعنوان "مقابله با راسیسم" بفروشد. برای ما هر نوع نقص حقوق شهروندان منتسب به مسلمان امری راسیستی است و قاطعانه با آن مبارزه میکنیم. برای ما نقد اسلام با هر زبان و با هر مدیومی عین آزادی بیان است و هر نوع محدودیت آنرا باج به مذهب میدانیم. برای ما تقابل با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و دفاع از ارزشهای سکولار و حقوق جهانشمول یک پرنسیپ قدیمی است و با ابداع ترم "اسلاموفوبی" شروع نشده است. برای ما پست مدرنیسم و مشتقات آن اعم از نسبییت فرهنگی و "اسلاموفوبی" و غیره یک چهارچوب راسیستی و ضد کارگری است که اتفاقا نفی اصل برابری حقوقی و اجتماعی و هر دستاورد قدیمی طبقه کارگر و سوسیالیسم را هدف خود قرار داده است. ما در جدال با اسلام سیاسی

نشوند، اصل "آزادی مذهب" و "آزادی پوشش" نقض شده است و همه اینها را علیه دموکراسی و گسترش آن میدانند. هر دو میگویند نقد به اسلام "نفرت علیه مسلمانان" را گسترش میدهد و معادل "اسلاموفوبی" و یا "راسیسم" است! در طرف مقابل دولتها هستند که از ترس رشد تروریسم در کشورشان به اسلام سیاسی باج میدهند و تلاش دارند آخوندها و اسلاميون "معتدل" تر را بعنوان "نماینده مسلمانان" معرفی کنند. به آنها وسیعا امکانات و پول میدهند تا سیاست کنترل تروریسم را پیش ببرند. سیاستی که تاکنون نتیجه معکوس داده است.

واقعیت اینست که کل این اردو، مستقل از اینکه مذهبی است یا سکولار، منفعت مشترکی دارند. از دولتی ها تا آخوندها و اسلام سیاسی تا شبه روشنفکران و دموکراتهایی که برای جنبش اسلامی استدلال دفاعی دست و پا میکنند. همه شان و هر کدام بنوعی با خلط میحث تلاش دارند نقد به اسلام و اسلام سیاسی را ممنوع و یا محدود کنند. "اسلاموفوبی" را نفرت و ترس بیمورد و پیشداوری نسبت به اسلام و مسلمانان نام میگذارند تا اسلام و اسلام سیاسی را از زیر فشار انتقاد سوسیالیسم و سکولاریسم نجات دهند. همه شان برابری و حقوق برابر شهروندی، مستقل از محل تولد و تعلق به این یا آن عقیده و گروه و فرقه، را عملا نفی میکنند و این پایه راسیسم نهادی در سیستم فکری آنهاست.

در عین حال این اردو با ترم "اسلاموفوبی" دو مسئله را قاطی میکند: اسلام و مردم منتسب به مسلمان. "اسلام هراسی" یا "اسلاموفوبی" نقد و مبارزه با اسلام بعنوان یک جنبش سیاسی را با "تبعیض به مردم منتسب به مسلمان" رندانه یکی قلمداد میکند. شما به ندرت با "آنتی راسیست هائی" در میان این جماعت که جار و جنجال "اسلاموفوبی" راه انداخته اند، مواجه میشوید که پر حرارت علیه اسلام و جنبش

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

این جنبش تنها گذاشتن زنان ملی اسلامی، نخبگان اصلاح طلب، فمنیستهای اسلامی و خواستهای ارتجاعی آنهاست که ذره ای خطر برای سیاستها و ایدئولوژی حاکم ایجاد نمی کند. این نسل نه گول "هم اندیشی" جنبش ملی اسلامی را می خورد و نه گول "منشور حقوق شهروندی" آن را، نه عرض حال برای حکومت آپارتاید می فرستد و نه برای طرح حقوق زنان دست به دامن آخوندهای خندان می شوند.

جنبش ضد آپارتاید جنسی این تناقض را می بیند. بین ارزشهای سکولار، ضد مذهبی و مدرن با ایدئولوژی اسلامی و قرون وسطایی جناحهای مختلف رژیم اسلامی تفاوت قائل می شود. می داند که منشأ تبعیض و نابرابری اجتماعی موجود رژیم اسلامی است. ۳۵ سال مقاومت خستگی ناپذیر زنان در مقابل سرکوب سیستماتیک رژیم اسلامی این را نشان داده است. این جنبش اجتماعی خود را وارد منازعه های گروه های اسلامی ذینفع در قدرت نمی کند. اما فراموش نکنیم که نوک کوه عظیم این جنبش زنان کمونیستی هستند که در عین حال که برای احقاق هر ذره از حقوق آزادی زن در صف اول مبارزه اند، اما برای زدن بنیاد تبعیض و نابرابری در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به تغییر بنیادی مناسبات زن ستیز سرمایه داری چشم دوخته اند.

**کمونیست ماهانه:** زنان ناسیونالیست در کردستان تلاش دارند به مسئله زن مهر قومی و ملی بکوبند. این تلاشها چه جایگاهی در میان زنان در کردستان دارد؟ بحث اساسی ناسیونالیسم کرد و "زنان کرد" راجع به مسئله زن چیست؟

**مریم افراسیاب پور:** جامعه کردستان امروز میدان چالش دو دیدگاه فوق است. یعنی از یکسو اعتقاد به جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در چارچوبی سراسری شکل گرفته و نگاه به مشکلات و معضلات زنان نه در قالب محدود منطقه ای و بومی بلکه سراسری و حتی جهانی است. از سوی دیگر دیدگاهی که پرداختن

صفحه ۷

## روز جهانی زن،

## یک آینده بهتر ممکن است ...

بخش ملی اسلامی آن با کلیت نظام حاکم و آپارتاید جنسی ناظر بر جامعه مخالفت نکردند. اسلام و قوانین شریعه را با



حقوق و آزادی و برابری زن مغایر ندانستند. آزادی و رهایی زن برای این جماعت یک تعریف صوری بیش نبود. از همان مقطع قطبندیها در جنبش زنان آغاز شد. زنان رادیکال و آزادیخواه و برابری طلب تلاشهایی را برای مشخص تر شدن خط و مرز خود با جنبش ملی اسلامی سازمان دادند. این جنگ هنوز هم ادامه دارد.

با کمی دقت به جنبشهای مختلف مبینید که خواست و مطالبه مشترک آزادی زن در تمامی جنبشهای جاری در جامعه ایران قابل مشاهده است. جنبش دانشجویی، جنبش کارگری، جنبش خلاصی فرهنگی، جنبش علیه سنگسار و ... مخالفت خود علیه آپارتاید جنسی را با پرچم "نه به تبعیض جنسیتی" اعلام کرده اند. نسل سوم جامعه ایران متأثر از این جنبشها تصمیم خود را گرفته است. این بخش از جنبش ضد آپارتاید جنسی موجود در جامعه ایران دشمن آشتی ناپذیر رژیم ضد زن و اسلامی است. می داند که آزادی و برابری در درجه اول منوط به سرنگونی کل این نظام فاشیستی و ضد زن است. یکی از مشخصات ویژه در

بیحقوق تر از هم نوعانشان در محله بغل دستی باشند؟ مگر خود اینها از "ترس" شان به اسلامیون در راه انداختن بساط دادگاه شریعه و قوانین آپارتاید و راسیستی تمکین نکرده اند؟ واقعیات سیاسی و اجتماعی و زندگی سیاه زنان و کودکان در محیط های اسلامی علیه این ژست ها و ترهات راسیستی مدافعان "اسلاموفوبی" گواهی میدهد. "اسلاموفوبی" حتی در صورت ظاهر آن هم مسخره است. محتوا بجای خود که تماما راسیستی و آگاهانه پرو اسلامی است.

**کمونیست ماهانه:** کشمکش زنان با رژیم اسلامی در ایران وسیعا در جریان است. موقعیت جنبش ضد آپارتاید جنسی و ضد اسلامی در ایران چگونه است؟ مشخصات آن چیست؟

**شهلا نوری:** تاریخ شروع این کشمکش به زمان زمزمه های اجباری کردن حجاب در مقطع ۸ مارس ۵۷ برمی گردد. در آن روزها که فقط چند ماه از قیام بهمن گذشته بود فرمان اجباری کردن حجاب در محل کار بعنوان اولین حربه جنبش اسلامی جهت سازماندهی و تحمیل یک آپارتاید جنسی در جامعه ایران استفاده شد. در روز جهانی زن صف عظیمی از زنانی که زنگهای خطر را شنیده بودند در همصدایی با نیمی از جمعیت جهان نه تنها در اعتراض به قوانین تبعیض آمیز ضد زن باقی مانده از رژیم قبلی، بلکه در اعتراض به حجاب اسلامی با شعارها و مطالبات خود از جمله؛ "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" و "نه روسری نه تو سری" به خیابان آمدند. این در حالی بود که بخش ملی اسلامی جنبش زنان با سرکوبگران اسلامی که پونز به پیشانی زنان بی حجاب می کوبیدند همصدا شدند و خود با افتخار پرچم ایدئولوژیک جنبش اسلامی یعنی حجاب اسلامی را بر سر مبارک کشیدند. این کشمکش در ۲ جبهه و تحت نام جنبش حقوق زنان ادامه یافت.

**برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!**

جنایتکار رژیم گرفت. نتیجه قول و قرارهای فریبکارانه انتخاباتی روحانی اعدام بیش از ۳۰۰ زندانی در بند بود. این عمل جنایتکارانه با اعتراض جدی مخالفین اعدام و اپوزیسیون بی توهم رژیم هم در خارج کشور و هم در داخل کشور روبرو شد. زنان معترض وازادخواه هم بخشی از این اعتراض بوده و هستند. بخش رادیکالی که بدنبال هیچ سازشی نیست و هیچگونه آوانسی هم



به اعتدال مورد ادعای روحانی ودولتش نمیدهد.

این جنبش خواهان لغو اعدام و برچیدن فوری و بی قید و شرط این حکم ضد انسانی است و هیچ راه میان بر و مرحله بندی شده ای را برای برچیدن این وحشیگری و بربریت قبول ندارد. این جنبش و زنان و مردان آزادخواه که برای برقراری یک دنیای فارغ از نابرابری، خشونت، استثمار و بهره کشی انسان مبارزه کرده اند، به این حکومت و دولتهای برآمده از آن که ضدیت با زن، خشونت، اعدام، زندان و شکنجه وجه مشترک همه آنها بوده چشم امید ندوخته اند. دولت "امید و اعتدال" روحانی مطلقاً استثنا نیست و مبارزه و اعتراض زنان مبارز و تلاشهای آنان در جنبش آزادی زن هم قطعاً پایان نخواهد گرفت.

در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن که سالهاست بعنوان روزی که مظهر آزادیخواهی و برابری طلبی و اتحاد و همبستگی جهانی زنان برسمیت شناخته شده است، قطعاً خواست لغو اعدام بعنوان یکی از خواستههای اصلی این روز باید مطرح شود. باید برای همگانی کردن این

صفحه ۸

## روز جهانی زن،

## یک آینده بهتر ممکن است ...

ناسیونالیستی نیز ناگزیر با مسئله چالش برانگیزی به نام مسئله زن و جنبش های حاشیه ای پیرامون آن مواجه شدند. زنان ناسیونالیست "رهایی زنان" را در گرو رهایی و استقلال ملی میدانند. تجربه اما ثابت کرده است با آزادی سرزمینی، زنان آن سرزمین آزاد نمی شوند. به عنوان مثال زنان اقلیم کردستان عراق پس از فروپاشی رژیم صدام نه تنها آزاد نشدند بلکه میزان ستمی که بر آنان روا میشود بیشتر شده و حتی بسیاری از خشونت های عریان جای خود را به اشکال گوناگون خشونت های پنهان داده است.

به مشکلات زنان و تلاش برای ایجاد بهبودهای حقوقی و اجتماعی در زندگی آنان را به حل مسئله ملی محول میکند. زنان در کردستان از تحقیر و توهین و خشونت



وضعیت اجتماعی زنان هر جامعه نمودار وضعیت عمومی و درجه رشد سیاسی و اجتماعی آن جامعه است. اما در نقطه مقابل آن نمی توان ادعا کرد که رهایی زنان در گرو آزادی و استقلال یک جنبش ملی گرایی می باشد.

**کمونیست ماهانه:** با از صندوق درآوردن روحانی اعدام ها در ایران وسعت یافت. جنبش ضد اعدام هر روز گسترش می یابد. جنبش آزادی زن در مخالفت با اعدام چه میگوید؟ این سیاست چگونه باید در روز زن منعکس شود؟

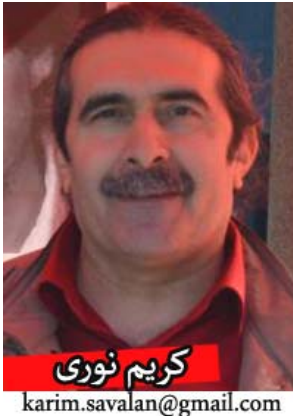
**ملکه عزتی:** همینطور است که میگویید. هنوز یکماه از عمر دولت روحانی نگذشته بود که اعدامها بطرز سرسام آور و تکان دهنده ای روزانه به اجرا درآمد. هرچند اپوزیسیون پرو غرب و اصلاح طلبان حکومتی بهتر شدن جهنم اسلامی را بعد از سرکار آمدن یک رئیس جمهور "معتدل" و خندان دیگر وعده داده بودند و به تلاشی عبث برای ایجاد خوشبینی در میان مردم دست زدند، اما در کمتر از ۶ هفته این "امید" واهی با موج اعدامها و سرکوب سیستماتیک در سراسر کشور جواب خود را از سران

ببازارند، از بیحقوقی رنج میبرند، مردسالاری را نه با لغت و فرمولش بلکه با تمام وجود خود می شناسند. زنان در کردستان به یمن وجود مبارزات برابری طلبانه و وجود جنبش آزادیخواهی در کردستان میدانند که زندگی بهتری هم هست.

زنان در کردستان در عین محرومیت و تحت ستم بودن، قومیت و ملیت و نژاد زنان مسئله شان نیست. آنها زنانی دردمند و رنج دیده اند که حقوقشان را میطلبند. همین حالا و برای همین امروز و نه فردایی که قومگرایان م وعده اش را میدهند. زن در کردستان قیل از اینکه کرد باشد و یا به قوم و فرهنگ و زبانش بیاندیشد، یک انسان است و یک زن است، مثل هر زن دیگری در هر نقطه از دنیا که در چنگال مردسالاری گرفتار آمده است. اما به باور "زنان کرد" و ناسیونالیست، آنها چه در داخل و چه در خارج ایران خود را بخشی از جنبش ملی و ناسیونالیستی میدانند. آنها بجای حقوق زن از "زن کرد" سخن میگویند. "زن کرد"ی که بخشی از جنبش ملی کرد است که خود تحت ستم است.

امروز با توجه به سیر رشد جوامع بشری به سوی آزادی و برابری جنسیتی، جنبش های

حقوق برابر زن و مرد در ازای کار مشابه!



برای آنها تامین نمایند، تصویب این قانون ارتجاعی هیچ خللی در اراده آنها بوجود نخواهد آورد.

در هشت مارس امسال جنبش آزادیخواهی و برابری طلبانه نمی تواند به این تعرض آشکار حکومت اسلامی به ارزشهای انسانی بی تفاوت باشد. فعالین دفاع از حقوق زن حتما در مراسمشان، بیانیه هایشان نفرت خود را از این عمل شنیع اعلام خواهند کرد و در کنار خانواده هایی خواهند بود که تلاش می کنند زندگی شادی را برای کودکانی که کودکیشان توسط حکومت اسلامی ربوده شده است بوجود آورند.

صف آزادیخواهی در هشت مارس امسال باید بتواند به این ارتجاع محض "نه" قاطعی بگوید و قاطعانه اعلام کند که این بربریت اسلامی را نمی پذیریم.

ادامه دارد ...

## روز جهانی زن، یک آینده بهتر ممکن است ...

است. حکومت اسلامی در طی سه دهه حاکمیت خود تلاش کرده است بی ارزشی جان انسانها را به طرق مختلف جار بزند و با رجوع به ارزشهای مذهبی خود که هیچ سازگاری با ارزشهای انسانی ندارد با تدوین قوانینی به ارتجاع محض خود وجهه قانونی بدهد. قانون ازدواج با فرزند خوانده هم یک تلاش دیگر از جانب حاکمیت ارتجاع اسلامی است که باید از جانب جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی پس زده شود.

برای همه آزادیخواهان روشن بود که در حکومت اسلامی تجاوز قانونی به کودک در قانون ارتجاع اسلامی مستتر است اما تصویب این قانون عملا اعلام "پدوفلیسم رسمی" در حاکمیت ارتجاع اسلامی است. خوشبختانه جامعه ایران هیچوقت به این قوانین ارتجاعی اسلامی وقعی ننهاده است و همیشه حق کودکان را بعنوان شهروندان بر منافع دیگر مقدم شمرده است. شاهد این امر جنبش رزمنده دفاع از حقوق کودکان در ایران است. ما می دانیم هزاران انسان شریفی در جامعه ایران تلاش می کنند، کسانی که با بعهدہ گرفتن سرپرستی کودکانی که به هر دلیل از خانواده خود کنده می شوند تلاش دارند زندگی شایسته ای را

خواست برنامه و پلاتفرم داشت و فعالین اجتماعی و نیروهای آزادیخواه و مترقی را حول این خواسته همگام و متحد کرد.

در ۸ مارس باید بر خواسته های فوری و پایه ای زنان از جمله نفی انقیاد و استثمار و آپارتاید جنسی و مبارزه برای برابری بی قید و شرط تاکید گذاشت. اما جنبش آزادی زن باید در سایر عرصه های مبارزاتی هم با شعار و خواست مشخص ظاهر شود. خواست لغو اعدام یکی از عرصه های مهمی است که جنبش آزادی زن باید با پرچم لغو اعدام بی هیچ اما و اگر و مرحله بندی کذایی به میدان بیاید و در تقویت و همگانی شدن این خواسته تمام توان و نیروی خود را به کار ببرد. روز جهانی زن و قطعنامه این روز میتواند و باید به کیفرخواست این جنبش علیه اعدام و کلیه وجوه نابرابری و استثمار و انقیاد نظام سرمایه داری تبدیل شود.

**کمونیست ماهانه:** ازدواج با دخترخوانده از جمله قوانین ارتجاعی است که توسط مجلس اسلامی دولت اعتدال روحانی تصویب شد. این مسئله در هشت مارس امسال چه جایی باید داشته باشد؟

**کریم نوری:** تعرض به حرمت و کرامت انسان یک پایه اساسی در حکومت اسلامی



## صدور دمکراسی!

به لطف تهاجم میلیتاریستی و سر کار آوردن  
نیروهای متفرقه اسلامی در لیبی اجرای قوانین  
شریعه تصویب شد!

نه به حجاب!





## اطلاعیه سازمان آزادی زن

**"اعدام، قتل عمد دولتی"**

سخنرانی آذر ماجدی در کنفرانس حق حیات و کیفر مرگ در کلن



این حکم تاکید کرد که اعدام تحت هر نوع توجیهی باید ممنوع شود.

انجمن پژوهشگران ایران فیلم این کنفرانس دو روزه را در یوتیوب قرار داده است. علاقمندان می توانند برای دنبال کردن مباحث به لینک زیر رجوع کنند:

<https://www.youtube.com/watch?v=Mwm9BOgiLE&list=PL8Lor5COIWDdeMsQEAAIyScOuPPoiy3MJ>

سازمان آزادی زن  
31 ژانویه 2014

آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن، بدعوت انجمن پژوهشگران ایران در کنفرانس "حق حیات و کیفر مرگ" که در تاریخ 18-19 ژانویه در شهر کلن آلمان برگزار شد، شرکت کرد. آذر ماجدی در اولین پانل این کنفرانس تحت عنوان حق حیات سخنرانی نمود. وی طی سخنرانش با عنوان "اعدام، قتل عمد دولتی!" اعلام کرد که جای شادی است که اکنون اکثر سازمانها، احزاب و جریانهای سیاسی اپوزیسیون ایران با مجازات اعدام مخالفت می کنند و این خود انعکاس وجود یک جنبش عظیم علیه اعدام درون جامعه ایران است. کما اینکه در کشورهای دیگر ما با چنین پدیده ای روبرو نیستیم. در ادامه آذر گفت که افتخار می کند که به جریانی متعلق است که اولین حزب سیاسی اپوزیسیون ایران است که در برنامه اش "یک دنیای بهتر" اعلام کرد که باید اعدام لغو شود.

رژیم اسلامی با اعدام زائیده شد و طی حیات خود هزاران نفر را اعدام کرده است. لغو مجازات اعدام تنها با سرنگونی رژیم اسلامی امکانپذیر است. تلاشها و اقدامات برای لغو اعدام تحت این رژیم که برخی سخنرانان به آن اشاره کردند، یا بقول آنها تبدیل "فرهنگ خشونت به فرهنگ مدارا" تحت رژیم اسلامی غیرممکن است. روشن است که باید علیه اعدام مبارزه کرد. اما این تصور که می توان اعدام را تحت رژیم اسلامی لغو نمود یک توهم بیش نیست. آذر همچنان بر

**کنفرانس بین المللی سازمان آزادی زن بتعویق افتاد!**

به اطلاع عموم می رسانیم که بدلیل تدارکاتی کنفرانس بین المللی سازمان آزادی زن درباره خاورمیانه و جنبش آزادی زن چند ماهی بتعویق افتاده است. دست اندرکاران سازماندهی کنفرانس های سیاسی، بویژه بین المللی، از موانع و مشکلات متعددی که طی سازماندهی بروز می کند، بخوبی مطلع هستند. ما در تلاش هستیم که از کشورهای تونس، مصر، سوریه و ترکیه فعالین دست اندرکار را برای سخنرانی دعوت کنیم. متأسفانه بعلت مشکلاتی که برای برخی از این فعالین پیش آمده است امکان دریافت ویزا و غیره در موقع مقتضی امکانپذیر نشده است. بمحض توافق با سخنرانان بر سر زمان مناسب، طی اطلاعیه ای علاقمندان را از زمان و جزئیات دیگر مطلع خواهیم کرد. بدینوسیله از کلیه علاقمندان پوزش می خواهیم.

باطلاع می رسانیم که در روز اول مارس سازمان آزادی زن کنفرانسی بمناسبت 8 مارس در شهر گوتنبرگ به زبان فارسی برگزار می کند. اطلاعات مربوط به این کنفرانس در اطلاعیه دیگری اعلام می شود.

سازمان آزادی زن  
اول فوریه 2014

**نه به آپارتاید جنسی!**

در پایان آذر ماجدی تاکید کرد که آمادگی کامل، گسترش تشکل توده ای در میان مردم و افشای جریانات اصلاح طلب حکومتی که می خواهند بهر نحوی رژیم اسلامی را حفظ کنند، از ملزومات سرنگونی رژیم اسلامی است. باید توجه داشت که تنها راه دستیابی به یک جامعه آزاد، برابر و مرفه برای همگان سرنگونی این رژیم و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی است.

علاقمندان برای دنبال کردن مباحث می توانند به لینک زیر مراجعه کنند:

<http://youtu.be/iHdOtWp2fvA>

سازمان آزادی زن  
اول فوریه ۲۰۱۴

## اطلاعیه سازمان آزادی زن

### آذر ماجدی در میزگرد درباره انقلاب بهمن ۵۷

#### "خمینی یک محصول وارداتی!"

در مورد خیزش های مردم در شمال آفریقا و خاورمیانه بکار بسته اند. یک فاکتور مهم در عدم موفقیت تالکونی این تاکتیک در مصر و تونس آموختن از سرنوشت ایران و تاریخ ایران است. جنبش کارگری، آزادی زن و سکولاریسم از تجربه ایران آموخته اند. جنبش آزادی زن ایران بویژه از جایگاه بالایی نزد جنبش آزادی زن در منطقه برخوردار است.

آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن، بدعوت رادیو پیام در میزگردی درباره انقلاب ۱۳۵۷، علت شکست و درسهای آن در روز اول فوریه ۲۰۱۴ شرکت کرد. آقایان مسعود نقره کار و آزاد مرادی دیگر شرکت کنندگان در این میزگرد بودند. آذر ماجدی در بخشی از صحبت های خود گفت که خمینی و رژیم اسلامی نه محصول انقلاب ۵۷، بلکه نتیجه شکست آن و یک محصول وارداتی بودند. انقلاب ۵۷ انقلابی برای نفی اختناق و خفقان، فقر و تبعیض بود؛ انقلابی برای آزادی، برابری و عدالت. اما دولتهای امپریالیستی در هراس از قدرتیابی چپ و کمونیسم، بویژه در شرایط جنگ سرد، در کنفرانس گوادولوپ تصمیم گرفتند که جنبش اسلامی را بعنوان آلترناتیو رژیم سلطنت به مردم حقه کنند. خمینی بدستور این دولتها و با همکاری صدام حسین به پاریس برده شد و زیر نورافکن قرار گرفت. دولتهای امپریالیستی بیاری رسانه ها و تبلیغاتشان یک شبه از خمینی رهبر ساختند.

در رابطه با مباحثی که مطرح شد و فرهنگ اسلامی و ساختارهای فرهنگی اجتماعی درون جامعه بعنوان یک فاکتور مهم بقدرت رسیدن رژیم اسلامی تاکید می گذاشت، آذر اشاره کرد که درست است که بخشی از روشنفکران ایرانی شوق زده و عقب مانده بودند و با استقبال خمینی و جنبش اسلامی رفتند، اما مساله اساسی اینست که غرب توانست بر دوش این بخش از جامعه و در فقدان یک آلترناتیو چپ و پیشروی متحزب و منسجم، بعلت شرایط خفقان و اختناق، توهم پراکنی کند و برای انقلاب مردم رهبر بترشد. دولتهای غربی عین همین تاکتیک را

# مارس ۲۰۱۴

## روز جهانی زن

### تورنتو، کانادا



آذر ماجدی



مینا احدی



هما ارجمند

## آزادی زن در ایران، موانع و گره گاهها

برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با فخری جواهری تماس بگیرید. شماره تلفن ۶۴۷۴۰۵۶۸۰۲

محل Thornhill Community Centre  
7755 Bayview Avenue  
Toronto, Canada

زمان: شنبه ۸ مارس ۲۰۱۴  
از ساعت ۶ و نیم عصر تا ۱۲ و نیم شب

موزیک و شام، ورودی ۳۰ دلار

# سازمان آزادی زن

[www.womensliberation.net](http://www.womensliberation.net)

اعدام قتل عمد دولتی است!

# مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

\*\*\*

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

## زن و سرمایه داری

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه میگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است.

اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

## تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۳۰، ۱۸ بوقت تهران از شبکه هات پرد

کانال: KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

## تلویزیون مدوسا

روزهای جمعه ها از ساعت 2 تا 3 بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی

KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

## آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)

سردبیر: آذر ماجدی

[majedi.azar@gmail.com](mailto:majedi.azar@gmail.com)

هینت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیواش دانشور

## پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آبارتاید جنسی لغو

باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

به سازمان آزادی زن پیوندید!